

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان همدان

آموزشگاه فنی و حرفه‌ای زینب کبری (س)

جزوه درس روانشناسی تربیتی



تهیه و تنظیم: علی زارعی

بهمن ۹۸

ذهن ما باغچه ایست...  
گل در آن باید کاشت

...تا نروید علف هرز در آن  
زحمت کاشتن یک گل سرخ...  
کمتر از زحمت برداشتن  
هرزگی آن علف است

ذهن ما باغچه ایست...  
گل در آن باید کاشت.

• منبع اصلی درس: روان شناسی پرورشی - تالیف دکتر علی اکبر سیف

• سایر منابع جهت مطالعه:

۱- چکیده ای از روان شناسی تربیتی تالیف دکتر افروز - انتشارات انجمن اولیا و مربیان

۲- کاربرد روان شناسی در آموزش- لئونور. درویل - ترجمه نظام و خاجوی نوری- انتشارات نسل نو اندیش

۳- تدریس کارآمد بر مبنای هوش هیجانی- آلن مورتی- دکتر مهرداد صالحی

### \* کلیاتی در مورد دانش روانشناسی \*

#### روانشناسی چیست؟

علم روانشناسی (psychology science) پیشینه ای دراز اما تاریخچه ای کوتاه دارد بدین معنا که اگرچه یافته های روانشناسی با روش علمی، قدمت زیادی ندارد، اما مباحث مورد نظر این علم از دیر باز مورد توجه انسان بوده است. تاریخچه علم روانشناسی به یونان باستان باز می گردد. تا سال ۱۸۷۹ میلادی دانش روانشناسی جزئی از علم فلسفه به شمار می آمد تا زمانی که در آلمان و آمریکا به عنوان یک علم مستقل مورد مطالعه قرار گرفت. روانشناسی یک علم نو ظهور با تاثیر بسیار زیاد است به همین خاطر همیشه این سوال در ذهن مردم مطرح است که روانشناسی چیست و چه اهداف دارد؟ روانشناسی با علومى مانند فلسفه، جامعه شناسی، فیزیولوژی، عصب شناسی و به طور کلی دانش هایی که مربوط به علوم انسانی هستند ارتباط تنگاتنگ دارد.

اصطلاح روان شناسی یا سایکولوژی، مانند بسیاری از اطلاعات مربوط به حوزه روان شناختی ریشه ای یونانی دارد و از دو کلمه psyche به معنی روح و ذهن و logos به معنی مطالعه یا شناخت تشکیل شده است که معنی تحت اللفظی آن، مطالعه نفس و شناخت نفس می باشد به طور خلاصه معنی و تعریف روانشناسی یعنی:

#### بررسی و مطالعه علمی رفتار و فرآیندهای ذهنی.

این جمله چند بخش برجسته دارد.

۱- روان شناسی دانش است. ۲- روان شناسی به بررسی رفتار می پردازد. ۳- روان شناسی به بررسی فرآیندهای روانی می پردازد.

روانشناسی همانند دیگر شاخه های دانش، از پایه های اصول علمی پیروی می کند. این دانش به بررسی رفتار که دیدنی (عینی) است و فرآیندهای روانی که انگاره ای (ذهنی) است می پردازد. رفتار همه ی واکنش هایی است که از جانداران سر می زند. رفتار آشکار است و در برابر آن فرآیندهای روانی، پنهان و انگاره ای (ذهنی) است.

منظور از «رفتار»، کلیه حرکات، اعمال و رفتار قابل مشاهده مستقیم و غیرمستقیم است؛ و منظور از «فرآیندهای روانی»، مباحثی همانند احساس، ادراک، اندیشه (تفکر)، هوش، شخصیت، هیجان و انگیزش، حافظه و... است.

با توجه به اینکه «روانشناسی» بر بسیاری از وجوه زندگی ما اثر می گذارد، شایسته است حتی کسانی که در پی کسب تخصص در این رشته نیستند آگاهی مختصری از این دانش پویا داشته باشند.

آگاهی از اینکه مقدمات روانشناسی چیست به شما کمک می کند تا بفهمید چرا افراد به شیوه های معینی می اندیشند و عمل می کنند.

### هدف های مهم روانشناسی عبارت اند از:

- ✓ توصیف و سنجش رفتارها، که در شرایط گوناگون جلوه گر می شوند.
- ✓ توضیح علت های رفتار و نتیجه گیری منطقی از چگونگی آن، برای پی بردن به واقعیت ها
- ✓ پیش بینی نتایج رفتارها براساس اطلاعات موجود از عملکردهای گذشته
- ✓ مهار یا کنترل رفتارها، برای تسلط بر امور و دست یابی به موفقیت در کارها
- ✓ حل دشواری های رفتاری در زندگی فردی و اجتماعی رسیدن به این هدف ها، موضوع رشته های گوناگون علم روانشناسی است

به یاد داشته باشید استفاده درست از روان شناسی در شما بصیرتی نسبت به نگرشها و واکنش های خودتان ایجاد میکند. در واقع ما همواره با انسان ها سرو کار داریم و برای ایجاد روابط خوب با آنها الزاماً باید از آنها و همینطور خودمان شناخت کافی داشته باشیم. این جریان در نهایت به شناخت مشکلات فردی و اجتماعی و ارائه راهکارهای متنوع برای غلبه بر آنها و دستیابی به سلامت روان می انجامد.

یکی از مباحث مهمی که در بحث های روانشناسی بصورت بنیادین بسیار عنوان شده است تاثیر علم روانشناسی بر کیفیت زندگی افراد است. همه ما در تمامی مقاطع زندگی به دنبال داشتن یک زندگی خوب هستیم و در این راستا اهدافی مانند شادی، احساس خوشبختی، رضایت از زندگی، موفقیت، سلامت روح و روان، ثروت، موقعیت اجتماعی، تحصیلات مناسب، میزان درآمد، درجه و مرتبه شغلی، موقعیت اجتماعی، کانون خانواده امن و مناسب و ... را دنبال می کنیم که در نتیجه وجود رضایت مندی از دسترسی به هر یک از این اهداف کیفیت زندگی ما بهبود می یابد، مانند :

- ✓ سبک های فرزند پروری
- ✓ بهبود روابط با افراد
- ✓ سبک زندگی
- ✓ شناخت عاداتهای غلط رفتاری و اصلاح آنها
- ✓ بهبود کیفیت زندگی در همه ابعاد آن
- ✓ اعتماد به نفس و سلامت روان
- ✓ مهارتهای زندگی ( حل مساله ، توسعه هوش هیجانی ، جرات ورزی و... )

### بنیانگذار علم روانشناسی کیست؟

بد نیست بدانید که همه در مورد بنیانگذار علم روانشناسی نظر ثابتی ندارد.

اما در سال ۱۸۷۹ میلادی روانشناسی از فلسفه جدا شد.

دانشمند آلمانی ویلهلم وونت به عنوان بنیانگذار و پدر علم روانشناسی اولین آزمایشگاه روان شناسی را رسماً در دانشگاه لایپزیک آلمان تاسیس کرد.

و بلهلم وونت تحقیقات گسترده ای درباره روانشناسی انجام داد که همگی آنها زمینه ساز پیدایش روان شناسی به شکل امروز آن شدند.

## **رویکرد های معاصر در روانشناسی چیست؟**

منظور از رویکرد شیوه نگرش به موضوع است. در روانشناسی هر موضوعی را می توان با رویکردهای گوناگون بررسی کرد. هر یک از رویکردها اعمال آدمی را تا حدودی به گونه ای متفاوت تبیین میکنند و هر یک از آنها سهمی در تصویر ما از تمامیت وجود هر فرد دارد. در واقع در روان شناسی هر یک از اعمال انسان را میتوان به گونه های مختلف توصیف کرد، برای مثال فرض کنید از خیابانی رد می شوید. با رویکرد روانشناسی زیست شناختی این عمل را میتوان شلیک عصب هایی به شمار آورد که عضلات پاهای شما را به کار می اندازد. اما رویکرد رفتاری، همین عمل را بدون اشاره به رویدادهای داخل بدن توصیف می کند. به این معنا که چراغ سبز محرکی محسوب میشود که شما با عبور از خیابان به آن پاسخ میدهید. عمل عبور از خیابان را میتوان با رویکرد شناختی نیز بررسی کرد، یعنی از راه توجه به فرآیندهای ذهنی سازنده آن رفتار. رویکرد شناختی عمل شما را بر حسب هدفها و نقشه هایتان تبیین میکند.

**در زیر پنج رویکرد در روانشناسی به اختصار توضیح داده شده است.**

### **۱- رویکرد زیست شناختی**

مغز انسان با بیش از ده میلیارد یاختهٔ عصبی و پیوندهای بی شمار بین آنها احتمالاً پیچیده ترین ساختار در عالم هستی است. اصولاً تمام رویدادهای روانی به نحوی متناظر با فعالیت مغز و دستگاه عصبی هستند، در رویکرد زیست شناختی به بررسی آدمی و انواع دیگر جانداران سعی می شود پیوند رفتار آشکار با رویدادهای برقی و شیمیائی که در بدن و به ویژه در مغز و دستگاه عصبی صورت می گیرند، شناخته شود.

این رویکرد در پی تعیین آن دسته از فرآیندهای زیستی - عصبی است که زیربنای رفتار و فرآیندهای ذهنی را تشکیل می دهند.

برای مثال در رویکرد زیستی به افسردگی سعی می شود این اختلال برحسب تغییرات غیر عادی در میزان انتقال دهنده های عصبی تبیین شود.

این انتقال دهنده های عصبی موادی شیمیائی هستند که در مغز تولید می شوند و ارتباط بین نورون ها یا یاخته های عصبی را میسر می سازند.

### **۲- رویکرد رفتارگرایی**

بدون شک رفتارگرایی، مکتبی در روانشناسی است که تمایل دارد همیشه، به جای آن که فکرها و حالت های ذهنی ما را بررسی کند، آن رفتارهایی را بررسی کند که به دنبال فکرهای ما می آیند.

**از دیدگاه این گرایش:**

نمی‌توان بین دو فکر مختلف، تفاوتی قائل شد، مگر آن که در رفتاری که به دنبال آن فکرها می‌آید، تفاوتی وجود داشته باشد. رفتارگرایان معتقدند تمامی رفتارهای آدمی از طریق تقویت و تنبیهی که از محیط دریافت کرده اند نشات می‌گیرد. آنها معتقد نوع تربیت می‌تواند شخصی را خلافکار و دزد، یا همان شخص را فردی به هنجار و مقبول در جامعه نشان دهد.

### ۳- رویکرد شناختی

رویکرد شناختی انسان را موجودی پردازش‌کننده اطلاعات و مسئله‌گشا تلقی می‌کند.

این دیدگاه در پی تبیین رفتار از راه مطالعه شیوه‌هایی است که شخص به اطلاعات موجود توجه می‌کند، آنها را تفسیر می‌کند، و به کار می‌برد.

### شناخت گرایان اعتقاد دارند:

تنها از طریق مطالعه فرآیندهای ذهنی می‌توان به طور کامل دریافت که جانداران چه می‌کنند و برای بررسی فرآیندهای ذهنی می‌توان رفتارهای خاصی را مورد توجه قرار داد

پدیده‌هایی از قبیل ادراک، تفکر، زبان، حافظه اگر چه قابل مشاهده نیستند ولی واقعیت‌هایی هستند که بدون توجه به آنها توصیف و تبیین رفتار و فرآیندهای روانی امکانپذیر نمی‌باشد.

### ۴- رویکرد روان‌کاوی

رویکرد روان‌کاوی نظریه‌ای درباره عملکرد ذهن، اختلال‌های روانی و نام شیوه‌ای روان‌درمانی است که بر این فرض اساسی استوار است که بیشتر فعالیت‌های ذهنی و پردازش آنها در ناخودآگاه رخ می‌دهد. در واقع روان‌کاوی با مطالعه شخصیت خصوصی سروکار دارد، یعنی انگیزه‌های ناهشیاری که رفتار را هدایت می‌کنند.

همزمان با رشد رفتارگرایی در آمریکا، زیگموند فروید مفهوم روان‌کاوی را درباره رفتار آدمی در اروپا پایه‌گذاری کرد. فروید معتقد بود هر یک از اعمال آدمی علتی دارد که ریشه آن را باید در یک انگیزه ناهوشیار جست و نه در دلیل معقولی که خود شخص ارائه می‌دهد. فرآیندهای ناهوشیار عبارت است از باورها، ترس‌ها، و خواست‌هایی که شخص از وجود آنها آگاه نیست

### ۵- رویکرد پدیدار شناختی

رویکرد پدیدار شناختی تقریباً به طور انحصاری به تجربه‌های شخصی توجه دارد. این رویکرد با تجارب شخص از رویدادها، یعنی با پدیدارشناسی فرد سر و کار دارد.

رویکرد پدیدارشناختی را انسان‌گرایی نیز نامیده‌اند زیرا این نظریه‌ها بر خصوصیات تمایز دهنده انسان از حیوان، مانند تلاش در جهت رشد و خودشکوفایی تاکید می‌کنند. پدیدار شناختی رویکردی است برخاسته از واکنش پدیدار شناسان به خصلت بسیار ماشین‌انگارانه سایر دیدگاه‌ها در روان‌شناسی.

برای مثال، روانشناسان پدیدارگرا مخالف این نظر هستند که رفتار به وسیله محرک‌های بیرونی (برطبق رفتارگرایی)، یا صرفاً از راه اطلاع‌پردازی در ادراک و حافظه (طبق روانشناسی شناختی)، یا توسط تکانه‌های ناهوشیار (طبق نظریه‌های روان‌کاوی) کنترل می‌شود.

همچنین اهداف روانشناسان پدیدارشناس نیز جدا از هدف‌های روانشناسان وابسته به سایر رویکردهای روانشناختی است این روانشناسان بیشتر با زندگی درونی و تجارب درونی فرد سروکار دارند تا با پرورش نظریه‌ها یا پیش‌بینی رفتار.

### **انواع شاخه‌های مختلف روان‌شناسی کدامند؟**

حال سوال این است که شاخه اصلی علم روانشناسی چیست ؟

روانشناسی مانند اکثر علوم دارای رشته‌های فرعی بسیار متنوعی است که ناشی از تاثیر و نفوذ روانشناسی در حوزه‌های مختلف دانش است.

در حال حاضر در انجمن روانشناسی آمریکا حدود ۵۴ کمیته تخصصی در حوضه‌های مختلف روان‌شناسی وجود دارد. در مطالب زیر به تعریف برخی از رشته‌های فرعی روانشناسی اشاره شده است.

### **روانشناسی بالینی**

#### **اهمیت شاخه بالینی روانشناسی چیست ؟**

روانشناسی بالینی شاخه‌ای از روانشناسی است که به درک، پیش‌بینی و درمان نابهنجاری، ناتوانی و آشفتگی‌های شناختی، هیجانی، زیست‌شناختی، روانشناختی، اجتماعی و رفتاری کمک می‌کند و در گستره وسیعی از جمعیت‌های در جستجوی درمان کاربرد دارد.

#### **نقش‌های شش‌گانه آن عبارت است از:**

۱. ارزیابی و تشخیص
۲. مداخله و درمان
۳. مشاوره روانشناسی
۴. آموزش و نظارت بر کار روان‌درمانگرها
۵. پژوهش
۶. و مدیریت

غالب کارهای رشته روانشناسی بالینی در راستای درمان و تشخیص، آموزش و پژوهش است.

### **روانشناسی مشاوره**

روانشناسی مشاوره یکی از رایج‌ترین انواع روانشناسی است که کاربردهای زیادی هم دارد.

روانشناسان مشاوره بسیاری از کارهای روانشناسان بالینی را انجام می‌دهند، اما اغلب مشکلاتی را تحت درمان قرار می‌دهند که روانشناس‌های بالینی کمتر به آن‌ها می‌پردازند.

## روانشناسی سلامت

روانشناسی سلامت به مطالعه‌ی فرآیندهای رفتاری و روان شناختی در هنگام سلامت، بیماری و مراقبت سلامت می‌پردازد. این علم معطوف به درک این نکته است که چگونه عوامل و عوامل فرهنگی، رفتاری و روان شناختی باعث سلامت یا بیماری جسمی می‌شود.

## روانشناسی شخصیت

روانشناسی شخصیت اندیشه‌ها، احساس‌ها و رفتارهایی را بررسی می‌کند که سبک منحصر به فرد تک تک انسان‌ها برای ارتباط با دنیا را تشکیل می‌دهند.

آن‌ها به تفاوت‌های شخصی علاقه مند هستند و تلاش می‌کنند تا همه‌ی فرایندهای روانشناختی را با یکدیگر ترکیب و ادغام کنند و از کل شخص، یک توضیح منسجم را ارائه دهند.

## روانشناسی اجتماعی

روانشناسی اجتماعی مطالعه موضوعات، مشکلات و مسائل مرتبط با روان شناسی و جامعه است. روانشناسی اجتماعی، اثرات حضور دیگران را بر رفتار فرد یا رفتار خود را تحت تأثیر گروه مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد.

## روانشناسی تفاوت‌های فردی

شاخه‌ای از روانشناسی است که به بررسی شیوه‌هایی می‌پردازد که در آن‌ها افراد در رفتار با یکدیگر متفاوتند می‌پردازد.

## روانشناسی مرضی

در پاسخ به این سوال که شاخه مرضی روانشناسی چیست باید بیان کرد که:

روان شناسی مرضی شاخه‌ای از دانش روانشناسی است که به مطالعه‌ی الگوهای نامعمول رفتاری، ذهنی و احساسی (که میتواند توسط دیگران شتاب دهنده اختلال ذهنی تلقی بشود یا نشود) می‌پردازد.

## روانشناسی ورزش

رشته روانشناسی ورزشی همزمان به بررسی چگونگی تأثیر عوامل روانشناختی بر عملکرد آدمی و همین طور چگونگی مشارکت تأثیرات ورزش و تمرین‌های ورزشی بر عوامل روانشناختی و جسمی می‌پردازد.

## روانشناسی صنعتی و سازمانی

موضوع این شاخه از دانش مطالعه علمی رابطه میان انسان و دنیای کار است.

در واقع، کاربرد و بسط و گسترش اصول روان شناسی است به مسایلی که انسان در تجارت و صناعت با آنها دست به گریبان است.

## روان شناسی مدیریت

مطالعه و بررسی عوامل موثر بر رهبری و مدیریت اثربخش و روابط بین مدیران و کارکنان.

## روانشناسی رشد

شاخه‌ای از علم روانشناسی است که به توصیف و تبیین تغییرات در طول زندگی فرد می‌پردازد و از رشته‌های مختلف زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت و پزشکی کمک می‌گیرد.

اگر چه روان‌شناسی رشد به تمام مراحل زندگی انسان از تولد تا مرگ می‌پردازد، اما بر کودکی و نوجوانی تأکید دارد.

## روانشناسی زبان

روانشناسی زبان علم مطالعهٔ عوامل روان‌شناختی و عصب‌شناختی اکتساب، کاربرد، درک و تولید زبان است.

## روانشناسی مثبت‌گرا

روان‌شناسی مثبت‌گرا پدیده‌های روان‌شناختی را در سطح‌های مختلف مد نظر قرار می‌دهند.

این شاخه از روانشناسی از مطالعهٔ تجربیات انتزاعی مثبت، مانند: شادی، سعادت و خوش بینی، مطالعه ویژگی‌های شخصیتی مثبت مانند شجاعت و حکمت و مطالعه نهادهای مثبت مانند ساختارهای اجتماعی که می‌توانند مدنیت و شهروندی مسئولانه را پرورش دهند.

## روانشناسی کودکان استثنایی

شاخه روان‌شناسی کودک استثنایی در روانشناسی چیست؟

روانشناسی کودک استثنایی، شاخه‌ای از دانش روان‌شناسی است که به تعریف کلیه مسایل مربوط به کودکان استثنایی از گستره کودکان تیزهوش تا کودکان عقب مانده ذهنی، کودکان نابینا و کم بینا، کودکان ناشنوا و کم شنوا، کودکان دارای ناتوانی‌های تکلمی و کودکان دارای ناتوانی‌های حرکتی و ذهنی، و تمامی امور و تعاریف مربوط به پیشگیری و شناخت و آموزش این کودکان می‌پردازد.

در روانشناسی کودک‌های استثنایی همان‌طور که از اسم آن مشخص است به مطالعه کودکان استثنایی در تمامی ابعاد فکری، جسمی، عاطفی عقلانی، رفتاری و غیره پرداخته می‌شود.

## روانشناسی یادگیری

روان‌شناسی یادگیری علم مطالعه تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار است که بر اثر تجربه در توانایی‌های بالقوه فرد بوجود می‌آید.

تعریف رشته روانشناسی تربیتی چیست



روانشناسی تربیتی (معادل انگلیسی روانشناسی تربیتی = Educational psychology) بررسی نحوه یادگیری افراد که شامل موضوعاتی مانند نتایجی که دانش آموزان از تحصیل خود حاصل می کنند، فرآیند آموزشی، تفاوت های فردی در یادگیری، شاگردان با استعداد و عدم توانایی در یادگیری می شود را در بر می گیرد. قبلا در سایت روانشناسی ویکی روان اشاره کردیم که در هر جامعه اهمیت روانشناسی تربیتی بسیار واضح است چون موضوعات ریشه ای را هدف قرار داده است.

روانشناسی تربیتی به شاخه ای از روانشناسی گفته می شود که در راستای تعلیم و تربیت و آموزش فعالیت می کند. روانشناسی تربیتی حاصل ترکیب تربیت و آموزش با روانشناسی است که به ماهیت و چگونگی یادگیری، روش های آموزشی، سنجش و ارزشیابی آموخته های یادگیرندگان می پردازد.

همانطور که در بالا درباره تعریف روانشناسی تربیتی گفته شد روانشناسی آموزشی یا تربیتی به مطالعه چگونگی یادگیری افراد می پردازد.

این مطالعه شامل روند یادگیری، نحوه یادگیری، عوامل موثر بر یادگیری افراد، بررسی توانایی ها و استعداد و موارد دیگر می باشد که در نهایت به بهبود یادگیری و کم شدن استرس در افراد می انجامد.

روانشناسانی که در این زمینه کار می کنند به پی بردن نحوه یادگیری افراد و به دست آوردن اطلاعات جدید در این زمینه علاقه دارند.

این شاخه از روانشناسی تنها در رابطه با فرآیند یادگیری در اوایل دوران کودکی و نوجوانی نیست.

بلکه فرآیندهای اجتماعی، عاطفی و شناختی را که درگیر یادگیری در تمامی دوران زندگی می شوند نیز شامل می شود.

روانشناسی تربیتی یکی از شاخه های روانشناسی است که به تحقیق در مسائل یادگیری و آموزش می پردازد. در واقع هدف از روانشناسی تربیتی، کمک به دست اندرکاران تربیت در برخورد درست با مسائل آموزشی و تربیتی است.

ساختار عمل روان شناسی تربیتی بطور کلی در سه مرحله انجام می گیرد: در مرحله نخست که فعالیت های پیش از آموزش نامیده می شود، مواردی چون بررسی اهداف شناختها و ویژگیهای یاد گیرنده را در برمی گیرد. در مرحله دوم یا فعالیت های ضمن آموزش مسائلی چون انگیزش \_ فرایند یادگیری ، ویژگیهای معلمان و تدریس موثر مورد بحث قرار می گیرد و آخرین مرحله یا فعالیت های پس از آموزش ، به موضوع ارزشیابی از عملکرد اختصاص دارد

### اهمیت روانشناسی تربیتی چیست؟

به دلیل بررسی نحوه ساز و کار یادگیری افراد که معمولا دانش آموزان در سنین مختلف هستند و ایجاد راه های متنوع برای افزایش کارایی افراد، روانشناسی تربیتی یکی از مهم ترین شاخه های علم روانشناسی است که از سنین پایین با افراد در ارتباط است.

اهمیت روانشناسی تربیتی زمانی خود را نشان می دهد که بدانیم تغییرات کوچک در نحوه یادگیری دانش آموزان یا استفاده از راه های متنوع و جدید برای کشف استعدادهای آنها چه تاثیر فوق العاده ای بر آینده آنها به عنوان یک فرد و در نهایت دور نمای کلی یک جامعه خواهد داشت.

به همین دلیل اهمیت روانشناسی تربیتی هر روز بیشتر برای مسئولین و البته والدین آشکار می شود و آنها از راهکارهای علمی این شاخه از روانشناسی بیشتر استفاده می کنند

### **جنبه های اصلی روانشناسی تربیتی**

همانند سایر زمینه های روانشناسی محققانی که در حیطه روانشناسی تربیتی کار می کنند نیز تمایل دارند هنگامی که یک مشکل را مد نظر می گیرند جنبه های مختلف این شاخه روانشناسی را برای حل آن مطرح کنند.

جنبه رفتاری بیانگر این است که افراد تمامی رفتارها را به واسطه شرطی سازی می آموزند.

روانشناسانی که مدافع این جنبه هستند برای توضیح نحوه رخ دادن یادگیری به اصول شرطی سازی عامل متکی هستند.

برای مثال معلمان ممکن است در ازای یک رفتار خوب از جانب دانش آموزان بُن هایی را به آن ها اهدا کنند که با اقلام مطلوبی مانند شیرینی یا اسباب بازی قابل تعویض هستند.

اگرچه چنین روش هایی در برخی موارد مفید واقع می شوند، رویکرد رفتاری از این جهت که مواری مانند گرایش ها، شناخت ها و انگیزه های درونی را برای یادگیری آن گونه که باید در نظر نمی گیرد مورد انتقاد قرار گرفته است.

جنبه تکاملی یا رشد به نحوه یادگیری مهارت های و دانش های جدید کودکان هنگامی که رشد می کنند تمرکز دارد.

### **کاربرد روانشناسی تربیتی**

روانشناسی تربیتی می تواند در شناخت تفاوت های موجود میان یادگیرنده ها به یاری ما بشتابد. از آنجا که هر یادگیرنده، شخصی منحصر به فرد و یگانه است، آگاهی داشتن از تفاوت های فردی یادگیرندگان برای آموزش اثربخش و کارآمد ضروری است. روانشناسی تربیتی در شناخت و درک فرایندهای یادگیری و ماهیت دانش ها و مهارت هایی که انتظار داریم یادگیرندگان کسب کنند، به ما کمک می کند. روانشناسی تربیتی می تواند در بخش آموخته های یادگیرندگان و روش های تهیه ابزارهای سنجش کارآمد به ما کمک کند.

### **اهداف روانشناسی تربیتی**

**در واقع هدف روانشناسی تربیتی در این خلاصه می شود که:** روانشناسان تربیتی با فهم این که کودکان در مراحل مختلف رشد چگونه می اندیشند بهتر می توانند پی ببرند که کودک در هر مرحله از رشد قادر به انجام چه کارهایی خواهد بود.

این موضوع به معلمان کمک می کند که روش های آموزشی و مطالب درسی را به بهترین نحو ممکن برای گروه هدی سنی خاص ایجاد کنند. به همین خاطر جنبه شناختی افراد در دهه های اخیر پیشرفت زیادی داشته است. زیرا این موضوع را که خاطرات، باورها، عواطف و انگیزه ها چه تاثیری می توانند بر روند یادگیری داشته باشند را در نظر می گیرد. در کل روانشناسی تربیتی یا روانشناسی کودک در ارتباط است.

## الف. فراهم کردن اطلاعات و شناخت های عملی یا کاربردی

بینش در معنای کامل اصول روانشناسی تربیتی (شناخت، آگاهی و فهمیدن)، نه برای حفظ کردن یا به خاطر سپردن، بلکه به عنوان ابزاری که در آموزش و پرورش موثر، مورد استفاده قرار می گیرد. شناخت جنبه های مختلف رشد و تکامل و اثرهای محیطی آن. آشنایی با مفاهیم فنی برای کسب توانایی شناخت ادبیات شغلی، به منظور برقراری ارتباط با همکاران و درک بهتر مسائل حرفه ای در معلمی.

## ب. مهارت ها و توان ها

مهارت در انتخاب، ساختن و کاربرد وسایل و فنون خاص ارزشیابی درسی و رشدی محصلان. توانایی هماهنگ ساختن کوشش های مدرسه با اصول رشد و تکامل محصلان. توانایی برانگیختن محصلان به حداکثر تلاش در رسیدن به هدف های مطلوب.

## پ. ایجاد گرایش ها، رغبت ها و درک (ارج گذاری)

شناخت محصل به عنوان یک ارگانیزم در حال رشد و تکامل، شناختن و درک ارزش و مقام او و اعتقاد نامحدود به اینکه محصل می تواند، رشد کند. یک ذهن باز و انتقادی نسبت به روش شناسی و درک نقش تحقیق در اصلاح آموزش و پرورش. رغبت فزاینده در روانشناسی یادگیرنده و کاربرد آن در کلاس. هدف غایی روانشناسی تربیتی عبارت است از، توانا ساختن معلم در کاربرد مفاهیم و اصول روان شناختی در اصلاح عمل آموزش و پرورش.

## محتوای روانشناسی تربیتی

دانش روانشناسی تربیتی، دارای اهمیت اساسی در حل مسائل تدریس و تربیت است. این علم یک رشته علمی مشخصی است که دارای نظریه های مخصوص به خود، روش های پژوهش، مسائل و فنون خاص خویش است. این علم دارای پنج وظیفه اساسی است که عبارتند از: انتخاب هدف های تدریس و تربیت، شناخت ویژگی های شاگرد، شناختن و به کار بردن نظریه های مربوط به فرایند یادگیری و رشد، انتخاب و به کارگیری روش های تدریس و تربیت و ارزشیابی یادگیری و رشد شاگردان.

به طور خلاصه می توان موضوعات پایه یا ارکان اصلی روان شناسی تربیتی را در هفت محور زیر مورد توجه قرار داد:

-قوانین و عوامل مؤثر در فرایند یادگیری

-ویژگی های یادگیرنده یا تربیت شونده

-موضوع یادگیری یا پیام متنی

-موقعیت یادگیری یا شرایط انتقال پیام

-روش های تعلیم و تربیت

-ویژگی های مربی

-ارزیابی و ارزش سنجی

## کار روانشناس تربیتی چیست؟

روانشناسی شناختی بر نحوه فکر کردن، یادگیری، یادآوری و پردازش اطلاعات افراد تمرکز دارد.

روانشناسان تربیتی که تمرکز ویژه ای به جنبه شناختی دارند تمایل دارند پی ببرند که چگونه کودکان برای یادگیری ترغیب می شوند، چگونه مطالبی را که می آموزند به خاطر می آورند و چگونه مسائل را حل می کنند و غیره.

رویکرد سازنده گرا یکی از جدیدترین نظریه های یادگیری است که بر این موضوع تمرکز دارد که چگونه کودکان به طور فعالانه از دنیای اطراف خود شناخت پیدا می کنند.

سازنده گرایی بیشتر تاثیرات اجتماعی و فرهنگی را که نقش مهمی در نحوه یادگیری کودکان ایفا می کنند در نظر می گیرد. این جنبه به شدت تحت تاثیر کار لو ویگوتسکی که نظراتی مانند ناحیه رشد مجاور و داربست آموزشی را مطرح کرده است می باشد.

اگرچه روانشناسی تربیتی یک رشته نسبتاً نوپا است اما هرچه که مردم بیشتر به فهم نحوه یادگیری انسان ها تمایل نشان دهند پیشرفت بیشتری خواهد داشت.

روانشناسی تربیتی یا روان شناسی پرورشی شاخه ای از علم روان شناسی است که یافته های این علم را در خدمت معلمان قرار می دهد. روان شناسی، علم مطالعه اعمال و اندیشه های افراد است؛ روان شناسی تربیتی علم مطالعه اعمال و اندیشه های افراد در ارتباط با مسائل آموزش و پرورش است .

روانشناسی تربیتی بیش از هر چیز دیگر معلمان را با ماهیت یادگیری دانش آموزان آشنا می کند و روشها و فنون مؤثر هدایت یادگیری، یعنی آموزش، را در اختیار آنان می گذارد. دلیل تأکید زیاد روان شناسی تربیتی بر یادگیری و آموزش این است که این دو جریان هسته اصلی فعالیتهای معلمان و مدارس را تشکیل می دهند.

### **موضوعاتی که در حیطه کار روانشناسی تربیتی جای می گیرند کدامند؟**

در نظام آموزشی پیچیده امروز، روانشناسان تربیتی با مربیان، مدیران، معلمان و دانش آموزان سر و کار دارند تا در این مورد که چگونه می توانند به افراد کمک کنند تا بهتر یاد بگیرند اطلاعات بیشتری کسب کنند.

این موضوع اغلب درگیر یافتن روش هایی برای شناخت دانش آموزانی که ممکن است کمک بیشتری نیاز داشته باشند.

ایجاد برنامه هایی با هدف کمک به دانش آموزانی که با مشکلات درسی مواجه هستند و حتی به وجود آوردن روش های جدید یادگیری می شود.

برخی از موضوعات مختلفی که روانشناس تربیتی به آن ها تمایل دارند به شرح زیر می باشند:

- فناوری آموزشی : بررسی این که چگونه انواع مختلف فناوری می توانند به یادگیری دانش آموزان کمک کنند.
- طرح تعلیمی : طراحی کردن مطالب آموزشی
- آموزش ویژه : کمک کردن به دانش آموزانی که ممکن است به روش های خاص یادگیری نیاز داشته باشند.
- برنامه ریزی درسی : ایجاد برنامه های درسی که به یادگیری بهبود می بخشند.
- یادگیری سازمانی : بررسی نحوه یادگیری افراد در محیط های سازمانی

- شاگردان تیز هوش : کمک کردن به دانش آموزانی که به عنوان شاگردان تیز هوش شناخته می شوند.

### **بررسی تاریخچه روانشناسی تربیتی**

روانشناسی تربیتی یک گرایش نسبتاً نوپا می باشد که در سال های اخیر پیشرفت قابل توجهی یافته است.

بنابراین بر مبنای تاریخچه روانشناسی تربیتی علاقه اولیه به روانشناسی تربیتی عمدتاً توسط فیلسوفان تربیتی شدت گرفت.

فیلسوف سرشناس، جان فردریش هربارت را پدر روانشناسی تربیتی می نامند.

هربارت عقیده داشت که علاقه دانش آموز به یک موضوع ناآشنا بسیار زیادی بر نتیجه ای که از یادگیری حاصل می کند دارد.

همچنین او بر این عقیده بود که معلمان باید در هنگام تصمیم گیری برای این که کدام شیوه آموزشی مناسبتر است این علاقه را همراه با پیش فرضی از آن در نظر بگیرند.

بعدها، روانشناس و فیلسوف، ویلیام جیمز نقش منحصر به فردی را در این زمینه ایفا کرد.

### **نقطه اوج در تاریخچه روانشناسی تربیتی**

کتاب او با نام "صحبت هایی با معلمان در باب روانشناسی" که در سال ۱۸۹۹ به چاپ رسید یکی از اولین درس نامه ها در رابطه با روانشناسی تربیتی به شما می آید. تقریباً در همین بازه زمانی، روانشناس فرانسوی، آلفرد بینه تست های هوش معروف خود را طراحی کرد.

این تست ها به گونه ای طراحی شدند که به دولت فرانسه کمک کنند تا کودکانی را که به اختلالات تکاملی دچار بودند شناسایی کرده و برنامه های تحصیلی ویژه ای را برای آن ها فراهم سازند. در آمریکا نیز جان دیویی، نقش بسیار موثری را در تاریخچه روانشناسی تربیتی و زمینه تحصیل ایفا کرد.

نظرات دیویی نظراتی بودند که موجب پیشرفت در زمینه آموزش می شدند. او عقیده داشت که مدرسه باید در عوض موضوعات یادگیری بر دانش آموزان تمرکز داشته باشد. او مدافع یادگیری فعال بود و عقیده داشت که تجربه های عملی بخش مهمی از فرآیند یادگیری را شامل می شوند.

به تازگی، روانشناس تربیتی، بنجامین بلوم یک طرح طبقه بندی شده را اجرا کرده است که در آن اهداف مختلف تحصیل دسته بندی و توضیح داده شده اند. طبق توضیحات او سه دایره ای که در ردیف بالا قرار دارند اهداف یادگیری شناختی، موثر و روان حرکتی می باشند.

آغاز روانشناسی تربیتی را باید بین سال های ۱۸۸۰ و ۱۹۰۰ دانست. در این دو دهه تحقیقات تجربی در مورد خصوصیات انسان و قدرت های ذهنی او شروع گردید. این تحقیقات به سه دسته اندازه گیری، روانشناسی کودک و یادگیری تقسیم می شوند. شاخه روانشناسی تربیتی را چندین نفر از پیشگامان روانشناسی، قبل از شروع قرن بیستم بنیان نهادند.

## بزرگان روانشناسی تربیتی

### الف. ویلیام جیمز

بعد از تدوین اولین درسنامه روانشناسی با عنوان "اصول روانشناسی" به ارائه چندین سخنرانی با موضوع گفتگو با معلمان پرداخت. جیمز، خاطرنشان ساخت که روانشناسی آزمایشگاهی اغلب نمی تواند به ما بگوید که چگونه به طور اثربخش به کودکان آموزش دهیم. او بر اهمیت مشاهده تدریس و یادگیری در کلاس ها به منظور بهبود آموزش تأکید داشت. یکی از توصیه های وی این بود که معلمان برای کمک به رشد ذهنی کودکان باید درس را از نقطه ای شروع کنند که کمی فراتر از سطح دانش و فهم کودک باشد.

### ب. جان دیویی

دومین پیشگام در شکل گیری روان شناسی تربیتی، جان دیویی است که نقش بسزایی در کاربرد علمی روانشناسی داشت. دیویی، اولین آزمایشگاه روان شناسی تربیتی را در سال ۱۸۹۴ در دانشگاه شیکاگو در ایالات متحده امریکا راه اندازی کرد. نخستین ایده او این بود که به کودک به عنوان یادگیرنده ای فعال بنگریم، قبل از دیویی، اعتقاد بر این بود که کودکان باید ساکت در صندلی های خود بنشینند و منفعلانه و طوطی وار مطالب را یاد بگیرند. در حالی که او معتقد بود که کودکان از طریق عمل کردن به بهترین شکل یاد می گیرند.

ما مدیون این ایده او هستیم که در آموزش باید کودک را به صورت کلی در نظر گرفت و بر انطباق او با محیط تأکید کرد. او اعتقاد داشت که کودکان را نباید تنها با موضوع های تحصیلی مورد آموزش قرار داد بلکه باید آن ها یاد بگیرند که چگونه فکر کنند و با دنیای بیرون از مدرسه انطباق یابند. به ویژه وی فکر می کرد که کودکان باید یاد بگیرند که چگونه مسائل را حل کنند.

دیویی، این ایده آزاد منشانه را زمانی مطرح کرد که کیفیت آموزش تنها برای عده کمی از کودکان، به ویژه پسران خانواده های مرفه، مطرح بود. وی یکی از روانشناسان و مربیان با نفوذ بود که بر آموزش مناسب برای همه کودکان گروه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و قومی اصرار داشت.

### پ. ادوارد ثرندایک

سومین پیشگام این عرصه از علم که می توان او را آغازگر تأکید بر سنجش و اندازه گیری و ارتقای شالوده علمی یادگیرندگان دانست. ثرندایک، عنوان کرد که یکی از مهم ترین تکالیف مدرسه، پرورش مهارت های استدلال کردن در کودکان است. او مطالعه علمی آموزش و یادگیری را بنیان نهاد. به ویژه این باور را تقویت کرد که روانشناسی تربیتی باید بنیان علمی داشته و به شدت بر اندازه گیری مبتنی باشد.

روش او برای مطالعه یادگیری، هدایت کننده روانشناسی تربیتی در طول نیمه اول قرن بیستم بود. در روانشناسی امریکایی، رویکرد بی.اف. اسکینر که بر اساس باورهای ثرندایک بنا نهاده شده بود، تأثیر شگرفی بر روانشناسی تربیتی در دهه های میانی قرن بیستم گذاشت. دیدگاه رفتاری او، دربرگیرنده تلاش های وی برای تعیین دقیق بهترین شرایط یادگیری بود.

## ایران

روانشناسی پرورشی یا تربیتی، یکی از درس های باسابقه دانشگاه های ایران است. پیشینه تألیف کتاب درسی برای این درس در سطح دانشگاه به سال ۱۳۱۷ باز می گردد و نخستین مؤلف و بانی تدوین کتاب برای درس روانشناسی پرورشی در سطح دانشگاه، دکتر علی اکبر سیاسی استاد سابق دانشگاه تهران است.

### تعریف آموزش

آموزش کار اصلی معلم است. آموزش، به فعالیتهای از پیش طرح ریزی شده ای گفته می شود که با هدف ایجاد یادگیری در دانش آموزان یا دانشجویان بین معلم و یک یا چند دانش آموز به صورت کنش متقابل یا رابطه دو جانبه انجام می شود.

لذا ویژگی مهم و امتیاز عمده آموزش رو در روی کلاسی همین کنش متقابل آن است. با این حال، آموزش، تنها به آموزش کلاسی محدود نمی شود و سایر شیوه های آموزشی از جمله آموزش رادیویی، آموزش تلویزیونی، آموزش از روی کتاب، یا آموزش مکاتبه ای نیز در ردیف فعالیتهای آموزشی قرار دارند.

منظور ما از آموزش همان آموزش رو در روی کلاسی است که متداولترین و مؤثرترین شیوه آموزشی در سراسر جهان است.

### تعریفی دیگر از آموزش:

فراهم آوردن فرصتهائی برای اینکه دانش آموزان یاد بگیرند.

به عبارت دیگر آموزش به فعالیتهائی گفته می شود که با هدف آسان ساختن یادگیری از سوی معلم طرح ریزی می شود و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل جریان می یابد.

### تفاوت آموزش و یادگیری:

✓ یادگیری فعالیتی است که از سوی یادگیرنده انجام می گیرد و خود او در شکل گیری آن دخالت مستقیم دارد و نقش

معلم صرفاً فراهم آوردن شرایط و امکاناتی است که یادگیری را آسان می سازد.

✓ یادگیری یک فرآیند درونی یادگیرنده است و آموزش جنبه ای بیرونی دارد. معلم نردبان صعود به درک بالا را در

اختیار یادگیرندگان قرار می دهد اما یادگیرندگان خودشان باید از این نردبان بالا بروند. تعریفی که از آموزش ارائه

شد، ویژگی آموزش رو در روی کلاسی است زیرا در آن بر کنش متقابل یا تعامل بین معلم و یادگیرندگان تأکید

شده است. اگر بخواهیم آموزش از طریق رادیو، تلویزیون، اینترنت و... که فاقد کنش متقابل یا رابطه ای رو در روی

هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح ریزی شده‌ای که هدف آن « معلم و شاگرد است را شامل می‌توانیم به صورت زیر تعریف کنیم: «آسان کردن یادگیری در یادگیرندگان است.

✓ **آموزش و تدریس:** آموزش علاوه بر فعالیت‌های کلاسی معلم که در حضور شاگردان انجام می‌شود ، فعالیت‌های پیش از رفتن به کلاس یعنی طراحی آموزش و طراحی و اجرای امتحانات را نیز شامل می‌شود. در مقابل ، تدریس عمدتاً به فعالیت‌های کلاسی معلم که در حضور دانش‌آموزان و دانشجویان و غالباً به صورت کلامی انجام می‌گیرد ، گفته می‌شود.

✓ تدریس بخشی از آموزش است اما تمامی آن نیست. تدریس وابسته به معلم است اما آموزش می‌تواند بدون معلم هم صورت گیرد.

**تعریف پرورش:** به جریان یا فرآیندی منظم و مستمر گفته می‌شود که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی پرورش‌یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری ، هنجارهای مورد پذیرش جامعه و کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنان است.

**تعریف کارآموزی:** یاد دادن فنون و مهارت‌های مورد نیاز به کارآموزان برای انجام شغل یا حرفه‌ای معین است. مانند ماشین‌نویسی . هدف از کارآموزی تربیت افراد برای پذیرفتن مشاغل و تخصص‌های گوناگون است.

**فرق پرورش و کارآموزی:** پرورش فرآیندی گسترده و درازمدت با هدف‌های کلی است. کارآموزی فعالیتی محدود و کوتاه‌مدت با هدف‌های دقیق است. پرورش وظیفه‌ی نهادهای رسمی و دولتی است. کارآموزی وظیفه‌ی موسسات صنعتی ، خدماتی خصوصی و گاه دولتی برای تأمین نیروی متخصص است. در کارآموزی بدون توجه به علاقه و استعداد کارآموزان ، همگی به سمت هدف واحدی پیش می‌روند. در نظام پرورشی به علاقه و استعدادها یادگیرندگان در جهت مسیرها و رشته‌های دلخواه توجه می‌شود.



## مجموعه‌ی دانش حرفه‌ای معلمان:

- **دانش محتوای درس:** شناخت و تسلط معلم بر موضوعی است که درس می‌دهد. اگر معلم موضوعی را به خوبی یاد نگرفته و نفهمیده باشد نمی‌تواند آن را به دیگران آموزش دهد.

- **دانش آموزش‌گری:** چگونگی ارائه دادن مطالب به راه‌هایی است که برای یادگیرندگان قابل درک باشد و دانستن اینکه چه چیزی موجب آسان و سخت شدن موضوعات مختلف برای یادگیرندگان می‌شود.

- **دانش مربوط به یادگیرندگان:** معلمان موفق نیاز دارند دانش‌آموزان خود را از هر لحاظ به ویژه از لحاظ رشد و توانایی شناختی بشناسند و آموزش خود را به گونه‌ای طراحی کنند که برای دانش‌آموزان با توانایی‌های مختلف قابل استفاده باشد.

- **دانش مربوط به یادگیری:** آگاهی از شرایط، روش‌ها و فنون یادگیری که در بهتر یادگرفتن مطالب به یادگیرندگان خود کمک کند.

## مراحل فعالیتهای معلم:

۱- مرحله پیش از عمل آموزش:

✓ تعیین هدفهای آموزشی به صورت هدفهای دقیق رفتاری

✓ تعیین ویژگیهای ورودی یادگیرندگان به صورت رفتارهای ورودی و سنجش آغازین

۲- مرحله پیش از عمل آموزش و ضمن عمل آموزش:

✓ مراجعه به یافته‌های روانشناسی یادگیری و استفاده از آنها برای بهبود روشهای آموزش و افزایش سطح و سرعت

یادگیری دانش آموزان

۳- ضمن عمل آموزش:

✓ مراجعه به روشها و فنون مورد نیاز برای آموزش هدفهای گوناگون و به اجرا درآوردن آنها.

۴- ضمن عمل آموزش و پس از عمل آموزش:

✓ اجرای روشها و فنون ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به منظور رفع نواقص روشهای یادگیری و آموزش و تعیین میزان

یادگیری دانش آموزان و اثربخشی کار معلم

تهیه و تدوین هدفهای آموزشی اولین مرحله از مراحل فعالیتهای آموزشی معلم است. در این مرحله است که معلم تصمیم می‌گیرد چه درس بدهد و در نتیجه آموزش، از دانش‌آموزان خود چه انتظاراتی داشته باشد.

## هنگام انتخاب هر هدف آموزشی، معلم باید پرسشهای زیر را مورد توجه قرار دهد:

✓ چرا دانش‌آموزان باید به هدف مورد نظر برسند؟

✓ آیا دانش‌آموزان آمادگی کافی برای رسیدن به هدف مورد نظر را دارند؟

✓ آیا امکانات آموزشی، چنان هستند که دستیابی دانش‌آموزان را به هدف آموزشی تضمین کنند؟

**یادگیری یعنی:** ایجاد تغییر نسبتن پایدار در رفتار بالقوه یادگیرنده، مشروط بر آن که این تغییر بر اثر تجربه اتخاذ شده باشد.

- **تغییر بر دو نوع است:** تغییر پیچیده مانند کسب مهارت رانندگی، دوچرخه سواری و ...، تغییر ساده مانند حفظ کردن یک

شماره تلفن.

**تغییر** به این معناست که موجود زنده از حالت قبل از کسب تجربه به حالت جدید تغییر کند. ما در طول زندگی می‌توانیم در اثر تجارب

یادگیری در حال تغییر باشیم. بنابراین افرادی که در طول زندگی فرصت‌های یادگیری و کسب تجربه دارند بیش از کسانی که در زندگی

فرصت‌های کمی دارند و زندگی یکنواختی را می‌گذرانند، تغییر می‌کنند.

- **تغییر نسبتا پایدار:** تغییر در اثر عوامل انگیزشی، هیجان، خستگی، انطباق حسی (مثل بسته شدن مردمک چشم در اثر رفتن گرد و

خاک در آن) که به سرعت از بین می‌روند، در ردیف یادگیری نیستند. کسی که در ابتدای روز با انرژی است و سریع کار می‌کند و بعد

خسته می‌شود، یادگیری در او اتفاق نیفتاده است.

- **تغییر نسبتا پایدار در رفتار بالقوه:** تغییر در توانایی‌های فرد و نه تغییر در رفتار ظاهری اتفاق بیفتد. بنابراین یادگیری نوعی توانایی

است (تمایز یادگیری و رفتار)

## رفتار بر دو نوع است:

۱- رفتار نهان که قابل مشاهده نیست اما فقط طریق رفتار آشکار به آن پی می‌بریم مانند تفکر، یادآوری و ...

۲- رفتار آشکار که قابل مشاهده است مانند: نوشتن، راه رفتن و ...

✓ **تفاوت رفتار و عملکرد:** عملکرد مانند رفتار آشکار به جنبه‌ی قابل مشاهده‌ی یادگیری اشاره دارد اما رفتار به هرگونه

عمل فرد گفته می‌شود و عملکرد نتیجه‌ی رفتار فرد است که در ارزشیابی یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. با مشاهده‌ی

تغییرات حاصل در عملکرد شخص به این نتیجه می‌رسیم که یادگیری اتفاق افتاده یا نه. مگر آنکه نتواند فرد آن را نشان دهد.

مانند اضطراب که موجب می‌شود یادگیرنده نتواند پاسخ سوال‌ها را بدهد. بنابراین عملکرد باید با وسایل دقیق و متنوع در شرایط

مختلف و به دفعات مختلف اندازه‌گیری شود.

- **تغییرات نسبتاً پایدار که بر اثر تجربه ایجاد شده باشد:** منظور از تجربه این است که محرکی (بیرونی یا درونی) در یادگیرنده اثر بگذارد. به نحوی که رفتار آن در طی مدتی که محرک موثر است در مقایسه با قبل از تاثیرگذاری محرک تغییر کند اما در اثر انگیزش و هیجان، مصرف داروها، خستگی، رشد (نوجوانی، میانسالی، پیری و...) یادگیری محسوب نمی‌شود.

**یادگیری عمده / یادگیری اتفاقی:** برخورد یادگیرنده با هر گونه تجربه ممکن است به یادگیری بیانجامد و لازم نیست یادگیری همیشه جنبه‌ی عمده داشته باشد. بسیاری از یادگیری‌های ما به طور اتفاقی انجام می‌شوند. مثل صحبت‌های متفرقه در حین درس که یک نوع یادگیری غیر رسمی است. مثال‌هایی از تغییر رفتار که از تجربه ناشی می‌شوند اما عمر کوتاهی دارند:

- ۱- **خوگیری:** ارگانسیم نسبت به محیطش کمتر حساس است مانند توجه به سر و صدا و بعد از مدتی خوگیری به آن
- ۲- **حساس شدگی:** به این معنا است که ارگانسیم به جنبه‌های معینی از محیط حساس می‌شود. مانند حساسیت بیش از اندازه بعد از یک عصبانیت شدید.

### **نظریه‌ی ویگوتسکی :**

نظریه‌ی رشد شناختی ویگوتسکی و برونر مانند نظریه‌ی پیازه به بررسی رشد یا تحول شناختی در قالب مراحل می‌پردازد و به همین سبب به نظریه‌های مراحل رشد شهرت دارند. با این حال این نظریه‌ها تفاوت‌های اساسی با هم دارند.

- ✓ نظریه‌ی ویگوتسکی که یک دانشمند روسی است به نظریه‌ی اجتماعی - فرهنگی رشد شهرت دارد.
- ✓ به نظر ویگوتسکی کنش متقابل میان یادگیرنده و محیط اجتماعی‌اش تعیین کننده‌ی اصلی رشد شناختی اوست، در حالیکه پیازه کودک را به صورت یک دانشمند کوچک که معمولن جهان را به تنهایی می‌فهمد یا می‌سازد توصیف می‌کرد.
- ✓ ویگوتسکی بر این باور بود که رشد شناختی کودک عمومن به مردمی که در دنیای او زندگی می‌کنند وابسته است.

**کارکردهای نخستین و عالی ذهن :** ویگوتسکی با اصطلاح کارکرد به فرآیندهای عالی ذهنی مانند توجه، ادراک، حافظه و تفکر اشاره می‌کند.

- ✓ **کارکردهای نخستین:** این کارکردهای ذهنی در سال‌های آغاز زندگی به طور طبیعی در انسان وجود دارند و در انسان و حیوان مشترک هستند. این کارکردها غیر ارادی و ناآگاه می‌باشند. حافظه در شکل اولیه‌اش یک تداعی خود به خودی بین دو رویداد که با هم اتفاق می‌افتند، می‌باشد. مثلن گربه صدای بازکردن در قوطی را با غذا تداعی می‌کند. توجه در شکل اولیه‌اش یک امر خود به خودی است. مثلن هم انسان و هم حیوان با شنیدن یک صدای بلند به سوی آن توجه می‌کنند.
- ✓ **کارکردهای عالی:** ویژه‌ی انسان هستند و بر اساس کارکردهای نخستین تحول می‌یابند.

### **کارکردهای عالی سه ویژگی دارند.**

- تحت کنترل انسان هستند و با اراده‌ی او انجام می‌شوند.

- دارای خاستگاه اجتماعی‌اند.

- به کمک ابزارهای شناختی روی می‌دهند.

مثلا حافظه به عنوان یک کارکرد عالی ذهنی دربرگیرنده ی فعالیت‌هایی چون ربط دادن دو رویداد به یکدیگر با استفاده از ابزارهای روانشناختی می‌باشد که از ابتدای کلمات زیر ساخته شده است: مانند سرواژه سازی مانند کلمه‌ی: «پس ختام» که از ابتدای کلمات زیر ساخته شده است. "پیش‌خوانی"، «سوال کردن» «خواندن» «تفکر» «از حفظ کردن» «مرور کردن» کارکردهای عالی ذهنی از طریق تعامل بین فرد و زمینه‌ی اجتماعی او تحول می‌یابند. از دیگر کارکردهای عالی ذهنی، استدلال منطقی، توجه انتخابی و زبان می‌باشند.

### «درونی سازی»:

تبدیل تدریجی تجارب یا فعالیت‌های اجتماعی بیرونی به فرآیندهای عالی ذهنی درونی سازی نام دارد. به عبارت دیگر رشد تدریجی کارکردهای عالی ذهنی از طریق تعامل اجتماعی را «درونی سازی» نام نهاده اند. مثلا توانائی تفکر انتقادی از تعامل اجتماعی، مانند پرسش و پاسخ ایجاد می‌شود.

### «گفتار خودمحورانه»:

گفتار خودمحورانه یکی از مواردی است که چگونگی تبدیل روابط اجتماعی به کارکردهای ذهنی را نشان می‌دهد. پیازه معتقد بود که کودکان در مرحله‌ی پیش عملیاتی، افکار و استدلال‌های خود را از طریق گفتار خودمحورانه ابراز می‌دارند که نوعی رفتار غیر اجتماعی است و نشان دهنده ی عدم درک کودک از دیگران است.

### ویگوتسکی در رشد زبان سه مرحله را از هم متمایز می‌سازد:

۱- **گفتار اجتماعی:** پیش از سه سالگی با هدف کنترل رفتار دیگران ظاهر می‌شود. مثلا وقتی که کودک به مادر می‌گوید: «بیا برو»

۲- **گفتار خودمحورانه:** بین سه تا هفت سالگی رخ می‌دهد. این اصطلاح مخصوص پیازه است. ویگوتسکی با این اندیشه‌ی پیازه که گفتار کودکان در دوره پیش عملیاتی خودمحورانه و غیر اجتماعی است، شدیداً مخالف بود. او معتقد بود کودکان این نوع گفتار را برای کنترل و هدایت رفتار خود مورد استفاده قرار می‌دهند. تقریباً همه‌ی یافته‌های به دست آمده از اندیشه‌های ویگوتسکی جانب‌داری کرده اند. بنابراین سخن گفتن کودکان با خودشان را با اصطلاح «گفتار خصوصی» مورد استفاده قرار می‌دهند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند وقتی کودکان با تکالیف دشوار سر و کار دارند یا زمانی که اشتباهات زیادی مرتکب می‌شوند و یا زمانی که کاری انجام می‌دهند که برای‌شان گیج کننده است از این نوع گفتار بیشتر استفاده می‌کنند.

۳- **گفتار درونی:** به معنای با خود سخن گفتن به طور بی‌صدا است. این نوع گفتار به اندیشه و رفتار انسان جهت می‌دهد و در همه‌ی کارکردهای عالی ذهن وجود دارد. ویگوتسکی معتقد بود که گفتار درونی یعنی فکر کردن با کلمات، سهم عمده ای در انجام تفکر ما دارد.

## تفکر و زبان :

تفکر و زبان در کودکان در نظریه‌ی ویگوتسکی به صورت دو فعالیت مستقل و جدا از هم به شکل تفکر پیش زبانی و زبان پیش عقلی (گفتار بدون تفکر) شروع می‌شود.

در کودکان خردسال مانند حیوانات تفکر بدون زبان انجام می‌گیرد. کوشش کودکان در ماه‌های اول زندگی برای دستیابی به اشیاء موردی از تفکر بدون زبان است. همچنین قار و قور کردن اولیه‌ی کودکان با هدف جلب توجه یا خوشحال کردن بزرگسالان موردی از زبان بدون تفکر است. در دو سالگی تفکر، زبانی و زبان، عقلانی می‌شود با این حال زبان و تفکر تا ۷ سالگی همچنان مستقل به کار خود ادامه می‌دهند. زبان در این دوران هم نقش درونی یعنی هدایت و جهت دهی به تفکر و هم نقش بیرونی یعنی انتقال نتایج تفکر به دیگران را ایفا می‌کند، اما هنوز قادر به متمایز ساختن این گفتار در کارکردهای مختلف نیست. در عین حال پیازه آن چیزی که رخ می‌دهد را گفتار خودمحورانه نامیده است. کودک در باره‌ی نقشه‌های خود بلند بلند حرف می‌زند و بین گفتار با خود و گفتار با دیگران تمایزی قائل نمی‌شود. از هفت سالگی به بعد کودک می‌آموزد که استفاده‌ی آشکار از زبان را به موقعیت‌هایی محدود نماید که می‌خواهد با دیگران ارتباط برقرار کند و در همین زمان نقشی که زبان در تفکر بازی می‌کند به صورت گفتار درونی، درونی می‌شود.

## خود نظم دهی :

در نظریه‌ی ویگوتسکی، زبان هم وسیله‌ای برای تعامل اجتماعی و هم وسیله‌ی تفکر و خود نظم‌دهی است.

## خود نظم‌دهی یعنی توانایی اندیشیدن و حل کردن مسائل بدون کمک دیگران

هدف رشد یا تحول این است که فرد از کنترل بیرونی خارج شده و از دیگر ساماندهی به خود سامان دهی تغییر می‌کند.

## منطقه‌ی تقریب رشد :

این مفهوم اهمیت تعامل اجتماعی را در رشد و یادگیری نشان می‌دهد. به عقیده‌ی پیازه رشد یا تحول مقدم بر یادگیری است اما ویگوتسکی می‌گوید یادگیری پیش از رشد می‌آید. پیازه معتقد بود مرحله‌ای از رشد شناختی‌ای که کودک در آن قرار دارد تعیین کننده‌ی ماهیت یادگیری است لذا نمی‌توان به کمک آموزش فراتر از رشد شناختی کودک در او یادگیری ایجاد کرد اما ویگوتسکی معتقد بود که فرآیندهای رشد یا تحول به دنبال فرآیندهای یادگیری رخ می‌دهند.

م - ط - ق ه ی تقریبی رشد - د به دامنه‌ی از تکالیف گفته می‌شود که کودک به تنهایی از عهده‌ی انجام آن‌ها بر نمی‌آید اما به کمک بزرگسالان یا دوستان توانمندتر از خود قادر است آن‌ها را انجام دهد.

به سخن دیگر وقتی کودکان به حال خود رها می‌شوند یا مستقلانه به حل مسائل می‌پردازند، یک نوع توانایی از خود نشان می‌دهند و وقتی که با همکاری و هدایت بزرگترها یا کودکان آگاه‌تر از خود به حل مسائل اقدام می‌کنند، توانایی بیشتری از خود نشان می‌دهد.

توانائی کودک در حل مسائل به طور مستقل معرف سطح کنونی رشد او و توانائی اش در حل مسائل به کمک دیگران دیگران نشان دهنده ی سطح رشد بالقوه اوست.

**منطقه‌ی رشد شناختی** تکالیفی را نشان می دهد که کودک هنوز آنها را یاد نگرفته است اما آمادگی یادگیری آن ها را دارد. برونر که کمک بزرگترها به کودکان برای انجام تکالیفی که از عهده ی آنان بر نمی آیند را **تکیه‌گاه سازی** نامیده است.

در تکیه‌گاه سازی ابتدا معلم یا شخص دیگری در یادگیری کودک نقش عمده ای را بازی می کند اما به تدریج که یادگیری پیش می رود مسئولیت به یادگیرنده واگذار می شود.

آزمون های هوش یا آزمون های حل مسئله که عملکرد مستقلانه ی کودک را می سنجند ، سطح رشد فعلی او را اندازه می گیرند. یعنی همان کاری که کودک به تنهایی از عهده ی آن بر می آید. برای شناسائی رشد کودکان باید هم رشد فعلی و هم رشد بالقوه آنان را شناخت. به کمک بازی ، آموزش رسمی و کار می توان کودکان را به سطح بالقوه رساند.

### **کاربردهای آموزشی نظریه ی ویگوتسکی :**

۱- ویگوتسکی نسبت به تاثیر آموزش و رشد شناختی ، نظری خوش بینانه دارد. اندیشه ی منطقه ی تقریبی رشد بیانگر این تصور است که آموزش باید پیش از رشد بیاید و اگر آموزش بر مرحله ای فراتر از مرحله ی کنونی رشد کودک تاکید کند موفق است. پس باید محیط اجتماعی را بهبود بخشید تا رشد شناختی انسان هائی که در آن محیط پرورش می یابند ، بهبود یابد. پیشرفت هر نسلی از جامعه سبب رشد شناختی بیشتر نسل بعدی می شود. معلمان باید یادگیرندگان را با مسائلی روبرو سازند که قدری فراتر از سطح توانائی های قبلی آنان باشد و برای شان چالش انگیز جلوه کند. معلمان از این طریق سطح کنونی رشد شناختی کودکان را به سطح بالقوه ی آنان نزدیک می سازند.

۲- در رابطه با آموزش به معلمان سفارش می شود که کودکان را به حرف زدن با خود تشویق کنند. از آنجا که با خود سخن گفتن ، کودکان را در هدایت و کنترل اندیشیدن یاری می دهد ، بهتر است معلمان کودکان را در مدرسه تشویق کنند تا با خود نجوا کنند یا افکارشان را به طور آهسته بر زبان جاری سازند. تاکید بر سکوت کامل روی مسائل دشوار کار را برای کودکان دشوار می سازد. یکی از راه های تشویق کودکان به صحبت کردن با خود ، خودآموزی شناختی است. یعنی کودکان بر کیفیت و دقت و سرعت یادگیری خود نظارت داشته باشند.

۴- به جای سنجش هوش ، باید منطقه ی تقریبی رشد را از طریق تکالیفی که دارای درجات دشواری مختلف هستند ، سنجش کرد.

۵- در این نظریه بر مسائل فرهنگی و اجتماعی تاکید زیادی شده است . بنابراین لازم است مطالب درسی در یک بافت فرهنگی - اجتماعی آموزش داده شوند.

۶- معلمان در آموزش زبان جدیت بیشتری به خرج دهند.

**نظریه ی برونر:** نظریه ی برونر بیش از هر نظریه ی دیگر بر فرآیند تفکر تاکید می کند و بازدهی اصلی رشد شناختی را تفکر می داند و معتقد است هدف آموزش و پرورش باید این باشد که یادگیرنده را به صورت متفکری خود مختار و خودفرمان درآورد.

برونر مانند پیازه و ویگوتسکی مفاهیم نظری خود را از پژوهش‌هایی که با کودکان انجام داده بدست آورد. دیدگاه برونر در میانه‌ی دیدگاه پیازه و ویگوتسکی قرار دارد. برونر مانند پیازه معتقد است که کودکان با نظام‌های زیست‌شناختی متولد می‌شوند که به آنان کمک می‌کند تا محیط‌شان را بفهمند همچنین با پیازه موافق است که افراد باید در جریان رشد و تحول خود، فعال باشند تا درک خود را از جهان هستی بسازند. از سوی دیگر در موافقت با ویگوتسکی، برونر بر نقش زبان در تحول شناختی کودکان تاکید می‌ورزد. به باور وی یک عامل مهم در رشد شناختی، توانایی بازنمایی دانش است. منظور از بازنمایی اشاره به چیزی است که جای چیز دیگر را می‌گیرد یا نماد آن به حساب می‌آید.

**مراحل رشد شناختی برونر:** این نظریه مانند نظریه‌ی پیازه و ویگوتسکی یک نظریه‌ی مراحل رشد است.

۱- **مرحله‌ی حرکتی (بازنمایی حرکتی):** در این مرحله کودکان رویدادهایی را که تجربه می‌کنند به صورت

پاسخ‌های حرکتی یا اعمال، بازنمایی می‌کنند. به عبارت دیگر بخشی از دانش یا درک ما از جهان هستی در ماهیچه‌های ما بازنمایی می‌شود. برای مثال کودکان نمی‌توانند آدرس فروشگاه‌ی در نزدیکی خانه‌شان را بدهند. اما قادرند شما را از راهی که قبلاً رفته‌اند به آنجا ببرند. بزرگسالان نیز دارای مقداری دانش عملی هستند. مثلاً یک کارمند ممکن است نتواند برای شما نقشه‌ی ساختمان محل کارش را وصف کند یا توضیح دهد اما هر روز از سالن‌های پیچ در پیچ آن می‌گذرد و به دفتر کارش می‌رود. اعمال حرکتی همیشه به تلاش فرد برای هدایت ماهیچه‌ها برای انجام دادن کارها نیاز ندارد. این اعمال عموماً جنبه‌ی عادت‌ی دارند. مثلاً نوشتن، راه رفتن و ...

۲- **مرحله‌ی تصویری:** در این مرحله رویدادهای زندگی به صورت تصاویر ذهنی، حفظ می‌شوند. کودک با رسم یک

نقاشی یا نقشه، راه خانه تا فروشگاه نزدیک خانه را نشان می‌دهد اما نمی‌تواند آن را بیان کند. فرد بزرگسالی که یک آتش سوزی را در قالب دود غلیظ و اجسام سوخته و سیاه به یاد می‌آورد، تجربه آتش سوزی را به صورت تصویر ذهنی بازنمایی کرده است. استفاده از شکل و نمودار به دانشجویان کمک می‌کند تا مطالب کتاب‌های درسی خود را بهتر بفهمند.

۳- **مرحله‌ی نمادین:** استفاده از نمادهای اختیاری مانند زبان یا علائم ریاضی می‌باشد. آدمیان به کمک زبان تجارب

زندگی خود را به رمز در می‌آورند و ذخیره می‌کنند. توانایی استفاده از زبان برای بازنمایی دانش در شکل‌گیری منطق بسیار ضروری است. برونر توانایی پرداختن به امور در غیاب تجارب مستقیم و توانایی اندیشیدن را حاصل نماد زبان می‌داند.

مرحله‌ی نمادین توانایی انتقال تجربه‌ی حاصل از چیزهای واقعی یا خیالی در غیاب آنها است.

**توالی مراحل رشد:** این مراحل به طور متوالی رخ می‌دهند. ابتدا کودک وارد مرحله‌ی حرکتی می‌شود (مرحله‌ی حسی

حرکتی پیازه). پس از آن به مرحله‌ی تصویری می‌رسد (مرحله‌ی عملیات عینی پیازه) و سرانجام وارد مرحله‌ی نمادین می‌شود (مرحله‌ی عملیات انتزاعی پیازه). البته نباید فکر کرد که در بزرگسالی تنها از شیوه‌ی تفکر نمادین استفاده می‌شود. اما با افزایش سن و تجربه بر مقدار تفکر نمادین افزوده می‌شود. نوازندگان آلات موسیقی، بازیگران تئاتر و سینما، جراحان و ورزشکاران از شیوه‌های مختلف بازنمایی سود می‌برند.

## نظریه یادگیری برونر :

### الف) دو مضمون عمده در نوشته‌های برونر در زمینه‌ی یادگیری دیده می‌شوند:

- ۱- کسب دانش به هر شکلی که اتفاق بیفتد یک فرآیند فعال است.
- ۲- یادگیرنده دانشش را خودش می‌سازد و این کار را از طریق ربط دادن اطلاعات دریافتی به یک مبنای روان‌شناختی برای داوری یا ارزیابی که از قبل در ذهن خود شکل داده است انجام می‌دهد.

این مبنای داوری که یک الگوی درونی است ، یادگیرنده را قادر می‌سازد تا به فراتر از اطلاعات دریافتی دست یابد.

### ب) ساده‌سازی و معنادار ساختن تجربه‌های اکتسابی توسط یادگیرنده یک نیاز ذاتی فرض می‌شود:

این کار از طریق تشکیل مفهوم یا طبقه صورت می‌پذیرد. در مفهوم‌سازی از نظام رمز استفاده می‌شود. نظام رمز یک ترتیب سلسله مراتب پیچیده از مفاهیم است. برای اینکه یادگیرندگان بتوانند موضوعی را به درستی بیاموزند و دربارهی آن به تفکر بپردازند باید نظام رمز خودشان را بسازند نه اینکه معلم به صورت آماده در اختیار آنها قرار دهد و از این رو برونر طرفدار یادگیری اکتشافی است.

- ✓ او معتقد است به عوض مجموعه‌ای از واقعیت‌ها باید به دانش آموزان ساختار بنیادی هر دانش شامل مفاهیم ، اصول و روش‌های پژوهشی در آن دانش را به او آموزش داد.
- ✓ او بر یادگرفتن یادگیری به جای یادگرفتن اطلاعات تاکید می‌کند. دانش‌آموزان از این طریق فرآیند پژوهش‌گری و راه‌های اندیشیدن را که به آنها کمک می‌کند تا اندیشه‌های تازه را بفهمند و مسائل را حل کنند ، یاد خواهند گرفت.

### ج) برنامه درسی ماریچی:

منظور برونر این است که اندیشه‌های بنیادی یک موضوع درسی باید در سراسر دوره آموزشی به طور دوره ای تکرار شود و در هر مرحله‌ی تازه که موضوعی در برنامه درسی تکرار می‌شود ، باید در سطح بالاتری از پیچیدگی و دقت و متناسب با سطح رشد شناختی یادگیرنده باشد.

بنابراین یادگیرنده ابتدا مطالب را در سطح آسان می‌آموزد و در مراحل بعد همان درس در سطحی پیشرفته‌تر و مفصل‌تر آموزش داده می‌شود.

### کاربردهای آموزشی نظریه‌ی برونر:

- ✓ پیازه معتقد بود که آمادگی شناختی یادگیرنده را توانائی درک او از عملیات منطقی تعیین می‌کند اما برونر معتقد است با انطباق دادن روش‌های آموزشی در سطح کارکرد شناختی کودکان می‌توان به آنان هر نوع موضوعی را که قابل آموزش به نوجوانان و بزرگسالان است ، آموزش داد.
- ✓ دانش را می‌توان به یکی از نظام‌های سه گانه ی: « حرکتی »، « تصویری » یا « نمادی » ارائه کرد. آموزش هر موضوع خاصی به هر فرد معینی نیز نیاز به یکی از این نظام‌های سه‌گانه دارد. برای اینکه تعیین کنیم آموزش یک موضوع به فرد خاصی با کدام



نظام مناسب‌تر است ، لازم است دربارهی دانش قبلی یادگیرنده و به ویژه نوع تفکری که او بیشتر ترجیح می‌دهد ، کسب اطلاع کنیم. بهتر است معلم آموزش خود را به صورت هر سه نظام فکری ، عملی و تصویری و نمادی ارائه دهد .

✓ برونر بر یادگیری اکتشافی تاکید دارد. دانشی که یادگیرندگان برای خود کشف می‌کنند ، بهترین نوع دانش برای آنان است. برونر بیشتر مدافع روش اکتشافی هدایت شده است تا روش اکتشافی کاملن مستقل. اکتشاف هدایت شده آن نوع اکتشافی است که به وسیلهی افراد آگاه‌تر تکیه‌گاه سازی یا هدایت شده باشد.

**مقایسهی نظریه‌ی برونر و ویگوتسکی:** نظریه‌ی برونر به خاطر تاکید بر تاثیر فرهنگ و زبان در رشد شناختی به نظریه‌ی ویگوتسکی شباهت دارد. اصطلاح تکیه‌گاه سازی که در نظریه‌ی برونر به معنای یاری رساندن بزرگسالان به کودکان در حل کردن مسائل می‌باشد در روش‌های آموزشی وابسته به نظریه‌ی ویگوتسکی بسیار مهم است.